

[مقدمات مساله اقتضا 1](#_Toc82372665)

[مقدمه سوم: عمومیت عنوان نسبت به نهی تنزیهی و غیری 1](#_Toc82372666)

[مقام اول: عمومیت داشتن عنوان نسبت به نهی نتزیهی 2](#_Toc82372667)

[نظریه مرحوم آخوند: عمومیت داشتن به قرینه ملاک 2](#_Toc82372668)

[عمومیت داشتن عنوان به وسیله ظهور خود عنوان 3](#_Toc82372669)

[نظریه مرحوم نائینی: خروج نواهی تنزیهیه از محل بحث 3](#_Toc82372670)

[مقام دوم: عمومیت داشتن بحث نسبت به نهی غیری 4](#_Toc82372671)

[نظریه مرحوم آخوند: عمومیت داشتن نهی به قرینه ملاک 4](#_Toc82372672)

[اشکال اول استاد به مرحوم آخوند 5](#_Toc82372673)

[اشکال دوم استاد به مرحوم آخوند 5](#_Toc82372674)

[نظریه مرحوم نائینی: خروج نهی غیری از محل بحث 5](#_Toc82372675)

**موضوع**: مقدمه سوم /مقدمات بحث /مساله اقتضا

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد مقدمات بحث مساله اقتضا بود. در جلسه قبل بحث از مقدمه دوم تمام شد. در نهایت استاد قائل به عقلی بودن بحث از مساله اقتضا شد. در این جلسه به بررسی مقدم سوم پرداخته می­شود.

# مقدمات مساله اقتضا

## مقدمه سوم: عمومیت عنوان نسبت به نهی تنزیهی و غیری

مرحوم آخوند برای توضیح محل نزاع و تشریح عنوان نزاع مقدمه سوم را مطرح فرموده است. در مقدمه سوم نهی را توضیح داده است. قدر متیقن از نهیی که بحث می­شود نهی تحریمی است. چنانچه قدر متیقن نهی نفسی است نه غیری. بحث در این جا این است که آیا نهی تنزیهی و غیری داخل در محل نزاع هست یا نه؟

### مقام اول: عمومیت داشتن عنوان نسبت به نهی نتزیهی

مقام اول در مورد نهی تنزیهی است. مرحوم آخوند مدعی است[[1]](#footnote-1) که گر چه عنوان بحث شامل نهی تنزیهی نمی­شود؛ ولی ملاک بحث عام است. مهم ملاک بحث است و شامل تحریمی و تنزیهی می­شود. در مقابل مرحوم نائینی فرموده است[[2]](#footnote-2) که نهی تنزیهی از محل بحث خارج است.

#### نظریه مرحوم آخوند: عمومیت داشتن به قرینه ملاک

مرحوم آخوند فرموده است: در اول بحث نواهی گذشت ماده نهی ظاهر در تحریم است﴿ما نهاکم عنه فانتهوا﴾[[3]](#footnote-3)مراد حرمت است. ظاهر عنوان شامل نهی تنزیهی نمی­شود؛ اما ملاک بحث عام است. هر چند بحث لفظی است؛ ولی ملاک اقتضای فساد آن به خاطر ملازمه است و و ملازمه هم عام است. اگر بین نهی تحریمی و فساد ملازمه باش،د بین نهی تنزیهی و فساد هم ملازمه وجود دارد؛ چرا که نکته ملازمه این است: حرام مغبوض است و قابل تقرب نیست و قصد قربت متمشی نمی­شود. همین ملاک هم در منهی عنه به نهی تنزیهی جاری است. هر چند که مرتبه نهی تحریمی از مبغضویت را نداردغ ولی در عین حال به مکروهات هم نمی­توان تقرب جست.

ان قلت: این همه معاملات مکروهه داریم و در عین حال صحیح هستند.

قلت: بله؛ این مطلب واضح است؛ ولی این نهی هم فردی از عنوان بحث است. یعنی نهی از معامله یک فرد است. اگر نهی تنزیهی در فردی از عنوان که معاملات باشد، موجب فساد نباشد، دلیل نمی­شود که بحث شامل تنزیهی نمی­شود و مصداق آن عبادات است. اگر تمام افراد بحث این گونه بودند که اقتضای فساد را نداشتند کما این که مدعای نائینی این است، مراد نهی تحریمی بود ولی یک فرد از افراد فرد تنزیهی جای بحث ندارد.

خلاصه: مرحوم آخوند مدعی است که عنوان بحث ظاهر در نهی تحریمی است؛ اما به قرینه عموم ملاک حمل بر اعم از تحریمی و تنزیهی می­شود.

##### عمومیت داشتن عنوان به وسیله ظهور خود عنوان

ممکن است گفته شود: ظاهر عنوان نهی تحریمی نیست و نیاز به قرینه نداریم. این که در اول نواهی گفته اند: ماده نهی ظاهر در تحریم است در جایی است که ماده را در معنای خودش استعمال کنند؛ یعنی نهی را در نهی استعمال کنند. مانند آیه مذکور؛ اما اگر نهی را عنوان مشیر به نهی و مصادیق نهی قرار داد؛ یعنی استعمال لفظ در لفظ باشد؛ چه ماده نهی و چه صیغه نهی، بلا اشکال نهی تنزیهی، نهی هست. پس ما نیازی به قرینه عموم ملاک نداریم.

مرحوم آخوند بین نهیی که در معنایش استعمال می­شود که حرمان باشد و بین نهیی که در الفاظ نهی استعمال شده است؛ خلط کرده است در نتیجه نهی اطلاق دارد و شامل نواهی تنزیهیه هم می­شود.

#### نظریه مرحوم نائینی: خروج نواهی تنزیهیه از محل بحث

مرحوم نائینی فرموده است[[4]](#footnote-4): نواهی تنزیهی از محل بحث خارج است؛ چرا که این نواهی، نهی از افراد بعد از امر به طبیعت است و در حقیقت نهی از تطبیق است اگر گفته می­شود لا تصل فی المسجد یعنی این تطبیق حزازت دارد و آن نمازی که واجب است بر نماز در مسجد تطبیق نکن و این تطبیق حزازت دارد. در تطبیق هم صحت و فساد مطرح نیست. در موارد نهی تنزیهی اعمال صحیح است، مثلا نماز در مواضع تهمه صحیح است.

این فرمایش مرحوم نائینی از لحاظ فقهی درست است و ما در فقه نهی کراهتی از عبادت نداریم و این نواهی که در عبادات مطرح شده است بحث بود که چگونه توجیه بکنیم که مرحوم نائینی فرمود نهی از تطبیق است. در محرمات ما نواهی پیدا کردیم که فعل را حرام کند؛ ولی در عبادت پیدا نکردیم. اگر ایشان می­گفت نواهی تنزیهی در شریعت نهی از تطبیق است و موارد این نواهی همگی محکوم به صحت است، بهتر از عبارتی است که گفته است. ایشان در اجود فرموده است:«اما الأول فلما عرفت سابقا من ان النهي التنزيهي عن فرد لا ينافي الرخصة الضمنية المستفادة من إطلاق الأمر فلا يكون بينهما معارضة ليقيد به إطلاقه‏»[[5]](#footnote-5) این مطلب جای اشکال دارد و ممکن است در جایی نهی تنزیهی از عبادت باشد.

حرف مرحوم آخوند دوری از فقه هست؛ چرا که در شریعت چنین چیزی محقق نشده است که نهی تنزیهی از عبادت داشته باشیم؛ ولی اصل حرف ایشان درست است. فرقی بین نهی تحریمی و تنزیهی نیست. اگر به ذات عبادت تعلق بگیرد این بحث مطرح می­شود نهی مقتضی فساد هست یا نه؟ اگر با قطع نظر از فقه بحث بکنیم این حرف درست است. این که مرحوم نائینی می­گوید ما نهی تنزیهی از عبادت نداریم، مرحوم آخوند جواب می­دهد که بحث ما در این است که اگر نهی به ذات عبادت تعلق بگیرد مقتضی فساد هست یا نه؟

البته ما اضافه میکنیم و کلام مرحوم نائینی را توجیه می­کنیم. این که ایشان فرموده است: نهی تنزیهی جای بحث ندارد، صحیح نیست و مثل تحریمی است. بله؛ اگر بگوید مورد ندارد، خوب است. مقصود ایشان هم همین است.

خلاصه: عنوان بحث شامل هر دو نهی می­شود گر چه نهی تنزیهی تحقق خارجی ندارد. هر چند در معاملات دارد ولی قطعا صحیح است.

### مقام دوم: عمومیت داشتن بحث نسبت به نهی غیری

آیا نهی شامل نهی غیری هم می­شود یا نه؟

#### نظریه مرحوم آخوند: عمومیت داشتن نهی به قرینه ملاک

مرحوم آخوند تفصیل داده است[[6]](#footnote-6). ایشان فرموده است نهی غیری دو قسم است. اصلی و تبعی. در مقدمه واجب هم این مطلب را دارد. واجب اصلی خطاب دارد مثل﴿اذا قمتم الی الصلاة...﴾[[7]](#footnote-7) و تبعی مجرد حکم عقل است و خطاب ندارد. در این جا همان حرف را تکرار کرده است. فرموده است: عنوان نهی ظهور در نفسیت دارد. این مطلب در امر سادس از اوامر نسبت به امر بیان کرده است و نهی هم مثل امر است؛ اما ملاک بحث عام است. در نهی اصلی که خطاب دارد ملاک بحث عام است. اگر نهی نفسی دلالت بر فساد داشته باشد به مقتضای ملازمه نهی غیری اصلی هم چنین دلالتی دارد.

اگر نهی تبعی باشد و خطاب نداشته باشد مثل امر به شیئ مقتضی نهی از ضد است. مثلا امر به ازاله نجاست از مسجد کرده است. اگر امر به شیئ مقتضی نهی از ضد خاص مثلا باشد لا تصل ثابت می­شود. منشا نهی غیری، امر اهم است. لا تصل نهی غیری تبعی است که خطاب ندارد. این نهی از محل بحث خارج است. چرا که لفظ ندارد تا دلالت بر فساد داشته باشد و بحث ما در دلالت لفظی است. یکی از ثمرات عقلی یا لفظی بودن مساله اقتضا همین مطلب است.

##### اشکال اول استاد به مرحوم آخوند

این که مرحوم آخوند فرمود: عنوان نهی غیری را شامل نمی­شود صحیح نیست. این که نهی ظهور در نفسی دارد در جایی است که در معنای خودش استعمال شده باشد در این جا نهی عنوان مشیر به نواهی در شریعت است که شامل غیری هم می­شود. پس ما نیازی به ملاک بحث نداریم.

##### اشکال دوم استاد به مرحوم آخوند

مرحوم آخوند بین نهی اصلی و تبعی تفصیل داده است. این مطلب بر مسلک خودش مطرح می­شود که بحث لفظی باشد. قبلا گذشت که بحث عقلی است یعنی ملازمه بین حرمت و فساد هست یا نه؟ چه خطاب داشته باشد و چه نداشته باشد.

موید این مطلب این است: علما برای نهی غیری مثال به نهی تبعی می­زنند. معلوم نیست که نهی غیری اصلی داشته باشیم. مثال نهی غیری همان نهی باب اقتضا است. یعنی امر به ازاله داریم و سلمنا که امر به شیئ مقتضی نهی از ضد هم هست پس لا تصل هم نهی غیری تبعی دارد. این که در آیه شریفه﴿ذروا البیع﴾[[8]](#footnote-8)آمده است بحث کردیم که نهی غیری نیست؛ بلکه تاکید فاسعوا است. رها کنید بیع را به معنای نهی داشتن نیست.

خلاصه: نهی غیری محل ابتلا است نهی تبعی است. ما نهی غیری اصلی نداریم. هم عنوان و هم ملاک شامل نهی اصلی و تبعی می­شود.

#### نظریه مرحوم نائینی: خروج نهی غیری از محل بحث

در مقابل، مرحوم نائینی است که فرموده است: نهی غیری واضح است که اقتضای فساد ندارد و از محل بحث خارج است. امر به ازاله کرده است و امر به شیئ سلمنا که مقتضی نهی از ضد خاص را دارد. پس ازل مقتضی لا تصل است و این نهی هم غیری است. امر ترتبی هم ندارد. در صورت اقتضا که امر ترتبی نیست. درست است که نهی غیری دارد و امر ندارد ولی ملاکش به حال خودش باقی است و عبادت به قصد ملاک صحیح است کما این که به قصد امر هم صحیح است. در حقیقت مرحوم نائینی می­گوید اگر مولا می­گوید لا تصل، جدی نیست و در حقیقت می­خواهد بگوید ازاله کن. به خاطر همین فساد آورد نیست.

ما هم در عرف خودمان داریم که مثلا کسی می­گوید: بیا کمک کند و نماز را رها کن مراد این نیست که نماز مبغوض است بلکه مراد این است که کمک کردن مهم است.

این مطلب محل کلام است. اگر یک عبادتی منهی به نهی غیری شد، آیا اقتضای فساد را دارد یانه؟ اگر شارع به خاطر امر به ازاله بگوید نماز نخوان، آیا مقربیت دارد: مرحوم آخوند می­گوید مقربیت ندارد و مرحوم نائینی می­گوید مقربیت دارد. شما قضاوت کنید که مولای عرفیه اگر بگوید نماز نخوان و شخص نماز بخواند می­توان گفت که مقربیت دارد؟

ذهن ما بیشتر به فرمایش مرحوم آخوند متمایل است.

تتمه کلام در جلسه بعد

1. کفایه الاصول (طبع آل البیت) ص 181 [↑](#footnote-ref-1)
2. اجود التقریرات ج 1 ص 386 [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره حشر آیه 7 [↑](#footnote-ref-3)
4. اجود التقریرات ج 1 ص 386 [↑](#footnote-ref-4)
5. اجود التقریرات ج 1 ص 386 [↑](#footnote-ref-5)
6. کفایه الاصول ص 181 [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره مائده آیه 6 [↑](#footnote-ref-7)
8. سوره جمعه آیه 9 [↑](#footnote-ref-8)